



چین دیگر یک "همکاری راهبردی" با اروپا را نمی‌خواهد

راهبرد اروپایی جدید چین

چین دیگر یک "همکاری راهبردی" با اروپا را نمی‌خواهد. در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹، همزمان با اتهام‌های حقوق بشری، ادامه تحریم‌های تسلیحاتی اروپا و توقف در وضعیت اقتصادی بازار اروپا و سطوح بالاتر همکاری و افزایش ارتباط با ایالات متحده، چین انتظارات سیاسی خود را از اروپا بسیار کاهش داد و با آمریکا که در آن درحال حاضر مهم‌ترین شریک به چشم می‌آید، این ارتباطات را افزایش داد. اما بحران اقتصاد جهانی راهبرد چین را هم نسبت به اروپا تحت تاثیر قرار داده است. چین همیشه متوجه این نکته بوده است که نیاز به دسترسی مداوم به بازار اروپا مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌اش بوده است. در واقع، درحالی‌که ایالات متحده به ادامه خرید بدهی‌های عمومی توسط چین وابسته است، اروپایی‌ها تقریباً به هیچ چیز در ازای این خریدها نیازمند نبوده‌اند. اما کسری حساب جاری و بدهی‌های عمومی اضطرابی این شرایط را تغییر داده‌اند. به‌طوری‌که یکی از راهبردها (strategists) رده‌بالای چینی به صراحت گفته است: "شما به پول ما نیاز دارید".

در واقع، فراتر از یک "همکاری راهبردی" جدید، چین درحال استفاده از مجموعه‌ای از راهبردها و ابزارها در حاشیه اروپا است که قبلاً در نقاط دیگر جهان در حال توسعه به کار بسته است. چین درحالی‌که به نهادهای منطقه‌ای به‌طور ظاهری اهمیت می‌دهد، مدت‌های طولانی با کشورهای آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین، مبادلات دوطرفه داشته است. این کشور بر "منافع متقابل"، دوستی و اشکال مختلفی از کمک‌ها که به قلب نخبگان محلی رخنه می‌کند، تأکید می‌ورزد؛ زنجیره نفوذ خود را که از حمل و نقل (بنادر، فرودگاه‌ها، جاده‌ها) شروع شده و تا مونتاژ محلی (با پارک‌های صنعتی چینی مشخص شده) و تدارکات (لجستیک) (شرکت‌های دریایی، هوایی و کانیتیربر چینی، شبکه‌های مخابراتی) و در نهایت توزیع (از معامله‌گران خرده‌پا که بخش قابل توجهی از مهاجران چینی را تشکیل می‌دهند تا شرکت‌های بزرگ توزیع) ادامه می‌یابد، می‌گسترده. اکنون اروپا، با خرید و یا ایجاد پروژه‌های زیربنایی، کمک به شرکت‌های ناتوان و جمع‌آوری دارایی‌ها از کشورهای شبه ورشکسته، در حال تجربه

همان رویکرد چین برای به دست آوردن جای پای در بخش توزیع و افزایش قدرت نرم خود (با استفاده از رسانه‌های محلی) است. (کادر آبی‌رنگ را ببینید). چین به‌طور اخص بر روی کشورهای مدیترانه‌ای و جنوب شرقی اتحادیه اروپا که بیشتر به پول نقد این کشور نیاز دارند، تمرکز کرده است. این امر باعث ایجاد روابط جدید بین کشورهای حاشیه‌ای اروپا و چین شده است. به‌عنوان مثال پرتغال، ایتالیا، یونان و اسپانیا در حال حاضر ۳۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های چینی و تسهیل تجارت در اروپا و کشورهای مرکزی و شرقی اروپا ۱۰ درصد دیگر از این موارد را جذب کرده‌اند که با توجه به حجم کلی اقتصاد آن‌ها مقدار بسیار زیادی خواهد شد. از دیدگاه اروپا، چینی‌ها در حال سوءاستفاده از نقاط ضعف اروپا هستند. خطر پیش روی اروپا تشکیل نوعی "لابی چین" با استفاده از اعضای کوچک‌تر اتحادیه اروپا است. حتی پس از سال ۲۰۱۴ - که تصمیم‌گیری شورای اروپایی مشروط به اکثریتی از ۱۵ کشور عضو، با حداقل ۶۵ درصد از جمعیت می‌شود؛ چین می‌تواند برای جلوگیری از هر گونه